



صائب تبریزی « دیوان اشعار » غزلیات « غزل شماره ۵۱۴

تلخی عالمِ ناساز شراب است مرا	تری بدگهران عالمِ آب است مرا	۱
لب به دریوزه می تلخ نسازم چون جام	آبرو جمع چو شد، عالمِ آب است مرا	۳
تا از آن روی عرقناک، نظر دادم آب	آب حیوان به نظر موجِ سراب است مرا	۲
نیست بی سوختگان شورِ مرا چون آتش	می ز خونابه دل‌های کباب است مرا	۴
جز در دوست که بیداری دل می بخشد	تکیه بر هر چه کنم باعِثِ خواب است مرا	۵
می دهد شادی بی درد مرا غوطه به خون	خنده کبکِ دری، چنگِ عُقاب است مرا	۶
کمتر از جنبشِ ابروست مرا دورِ نشاط	خوشدلی چون مه نو پا به رکاب است مرا	۹
گر چه همخانه دریای گرمی گهرم	چون صدف، دانه روزی ز سحاب است مرا	۸
می دهم عرض به دشمن گره مشکلی خویش	از هوا چشمِ گشایش چو حباب است مرا	۷
تلخی زهرِ عتاب است گوارا بر من	با شکرخنده خوبان شکراب است مرا	۱۰
مطلب افتاده مرا تندی و بدخویی تو	غرض از نامه نه امیدِ جواب است مرا	۱۱
حسن، بی پرده کند آبِ نگه را، ورنه	دست، گستاخ به آن بندِ نقاب است مرا	۱۲
راست کیشم، به نشان می رسد آخر تیرم	خود حسابم، چه غم از روز حساب است مرا؟	۱۳
نیست کاری به بد و نیکِ جهانم صائب	روی دل از همه عالم به کتاب است مرا	۱۴

وزن: فعلاتن فعلاتن فعطن (رمل مثنی مخبون محذوف)

منابع:

\* وبسایت گنجور

\* کتاب دیوان صائب تبریزی مطابق نسخه دوجلدی ۱۰۷۲ ه.ق. به خط صائب (از مجموعه شخصی) میرزا صائب تبریزی، علامه شبلی نعمانی - انتشارات نگاه تهران ۱۳۷۴



خانقاه خاکسار جلالی مطهری  
Khaksar Khanqah

تنظیم و ارائه: وبسایت خانقاه خاکسار مطهریه